مجلّه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال دهم، شماره دوم، تابستان ۱٤۰٤، پیاپی ۳۸

تبیین مفهوم و ابعاد عمق استراتژیک کشورها

10.22067/pg.2025.91389.1329

پژوهشی

مجیددهقانیان(دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

majid.dehghanian@modares.ac.ir

ابراهیم رومینا(دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران،ایران. نویسنده مسئول)

e.rumina@modares.ac.ir

محمدرضا حافظ‌نیا(استاد جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

hafezn_m@modares.ac.ir

مصطفی قادری‌حاجت(استادیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

m.ghaderihajat@modares.ac.ir

چکیده

سیاست‌گذاری دقیق و اتخاذ استراتژی جامع و هدفمند در عرصه سیاست خارجی یکی از نیازهای اساسی کشورهاست. کشورها بر اساس ظرفیت‌های اعمال قدرت، به گسترش حوزه نفوذ و افزایش نقش در منطقه یا مناطق پیرامونی خود و تأثیرگذاری بر آن علاقه‌مند هستند و می‌توان گفت، امروزه دامنه این تأثیرگذاری، از حوزه صرف نظامی خارج و شامل طیف وسیعی از مؤلفه‌ها می‌شود که مفهوم عمق استراتژیک را شکل می‌دهد. مطالعه حاضر باهدف ارائه تعریفی جامع و چندبعدی از مفهوم عمق استراتژیک و شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن، با استفاده از روش ترکیبی کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. در بخش کتابخانه‌ای، ضمن مرور ادبیات نظری، تعاریف مختلف و ابعاد متنوع عمق استراتژیک بررسی‌شده است. در بخش میدانی، با طراحی پرسشنامه‌ای و توزیع آن در میان اساتید و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های کشور، نظرات خبرگان در خصوص مؤلفه‌های عمق استراتژیک جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عمق استراتژیک مفهومی چندبعدی و پویا است که فراتر از مرزهای جغرافیایی بوده و شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی می‌شود. در این پژوهش، ۱٤ مؤلفه اصلی برای عمق استراتژیک شناسایی و بر اساس نظر خبرگان رتبه‌بندی شده‌اند.

واژگان کلیدی: عمق استراتژیک، ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، امنیت ملی

تاریخ دریافت : ۱۰ / ۱۰ / ۱٤۰۳ تاریخ پذیرش: ۲۳ / ۰۱ / ۱٤۰٤

مقدمه

یکی از مسائل اساسی که نقش مهمی در قدرت ملی، جایگاه و منزلت ژئوپلیتیکی و درنهایت سرنوشت نهایی کشور دارد، مفهوم عمق استراتژیک است. در جهان کنونی که رقابت و تعامل میان بازیگران سیاسی-فضایی و اقتصادی برای حفظ و ارتقای منافع ملی، برقراری امنیت، بهره‌گیری از فرصت‌ها، به جهت بالا بردن سطح رفاه و برخورداری از امتیازات از اولویت بالایی برخوردار است نیازمند سیاست‌گذاری دقیق و اتخاذ استراتژی جامع و هدفمند در عرصه سیاست خارجی هستیم. درواقع استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ در مناطق ژئوپلیتیکی جهان تابع متغیرهای مختلفی است. این قدرت‌ها در تمام کره زمین به دنبال پایداری و حفظ برتری بوده و این روش را به‌واسطه ابزارهای مختلفی اعمال می‌نمایند (Romina & Bidar,2018: 1) در عرصه روابط بین‌الملل کشورها بر اساس ظرفیت‌های اعمال قدرت، به گسترش حوزه نفوذ و افرایش نقش در منطقه یا مناطق پیرامونی خود علاقه‌مند هستند (Pourahmad, 2009:197).

در این میان کشورهای دارای قدرت یکی از مهم‌ترین الزامات فضایی خود را به‌منظور تدوین الگوی امنیتی مبتنی بر عوامل راهبردی، عمق بخشیدن به عوامل فضا و نقاط استراتژیک در حوزه‌های پیرامونی خود می‌دانند. این موضوع تحت عنوان عمق استراتژیک در ادبیات روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک، مسائل استراتژیک و مسائل نظامی مطرح می‌گردد. با تأمل دقیق بر این اصطلاح می‌توان دریافت که عمق استراتژیک معنای نظامی فنی دارد؛ اما در یک مفهوم گسترده‌تر، وضوح و عمق تفکر استراتژیک را نیز نشان می‌دهد (Cropsey:2014).

همچنین اهمیت حضور و نفوذ در ورای مرزهای ملی و اتخاذ سیاست تعمیق عمق استراتژیک امروزه به‌عنوان یکی از راهبردهای مهم و اساسی دولت‌ها برای تأمین نیازهای امنیتی، راهبردی، سیاسی و اقتصادی کشورشان هست. عمق استراتژیک از مسائلی است که ممکن است آثار آن در لحظه نمایان نباشد به قول فریدمان «عمق استراتژیک در درازمدت بسیار حیاتی است»(Friedman:2020).

به‌طورکلی، یکی از موضوعات حیاتی برای هر کشوری، توجه به عمق استراتژیک است؛ اما سؤال این است که این مفهوم چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دقیقی دارد؟ نقش مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی و فناوری در این مفهوم چیست؟ بررسی متون و محتوای مرتبط نشان می‌دهد که هرکدام به جنبه‌ای از عمق استراتژیک پرداخته‌اند، ولی غالب بحث‌ها هنوز حول موضوعات نظامی می‌چرخد. پرداختن به این مقوله، به‌ویژه به شکل سنتی آن مانند دوران استعمار یا جنگ سرد، ممکن است تهدید زا و حساسیت‌زا باشد و حتی کارآیی لازم را نداشته باشد؛ بنابراین، لازم است که ابعاد عمق استراتژیک در عصر حاضر با شرایط و پیچیدگی‌های زمانی-مکانی هماهنگ شود. اگر تا پیش‌ازاین، عمق استراتژیک به‌عنوان مجموعه‌ای از ابزارهای سیاسی، جغرافیایی، انسانی و نیروهای نظامی و امنیتی تعریف می‌شد، اکنون باید این تعریف را به شرایط داخلی و

مؤلفه‌های خارجی مرتبط کرد. درنهایت، این توانمندی‌ها که نمایانگر ظرفیت‌های یک کشور برای پیشبرد اهداف و برنامه‌ها هستند، باید موردتوجه قرار گیرد. این مقدمه ما را به این سؤال می‌رساند که ابعاد و مؤلفه‌های عمق استراتژیک کدام‌اند و هرکدام از این مؤلفه‌ها چه جایگاهی دارند؟

۲. مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

۲-۱ نظریات مفهوم عمق استراتژیک

تعریف ابتدایی از عمق استراتژیک در علوم و فنون نظامی، فاصله بین خط مقدم محتمل و مناطق حیاتی اقتصادی و سیاسی را مدنظر دارد که همچنان برای تصمیم‌گیرندگان حائز اهمیت است. استون[1] معتقد است که عمق استراتژیک به ظرفیت‌های زمینی و مکانی- نظامی یک کشور اشاره دارد، به‌طوری‌که یک کشور با وسعت زیاد می‌تواند در برابر حملات دشمن از خود دفاع کند و فرصتی برای تفکر و تصمیم‌گیری نظامی داشته باشد. همچنین، در اختیار داشتن ابزارهای نظامی چون موشک‌های دوربرد و موقعیت‌های مناسب برای پرتاب این سلاح‌ها به‌منظور آسیب‌رسانی به دشمن نیز جزو این ظرفیت‌هاست (Easton: 2013).

کروپسی[2] در تحلیل خود از عمق استراتژیک، به‌خصوص در مورد رژیم صهیونیستی، این مفهوم را به‌عنوان ضرورت وجود یک‌فاصله فیزیکی میان تهدیدات و نقاط حساس برای محافظت توصیف کرده است (Cropsey: 2014). از دیدگاه هارکاوی[3]، عمق استراتژیک مرتبط با بعد دفاعی و نظامی است؛ او این مفهوم را به فاصله میان خطوط مقدم و مناطق جنگی از یک‌سو و مناطق صنعتی، پایتخت و شهرهای بزرگ، نواحی مهم و مرکزی، همچنین مراکز اصلی جمعیتی و تولید نظامی از سوی دیگر تعریف می‌کند (Harkavy: 2001).

درباره نظریات مرتبط با مفهوم عمق استراتژیک می‌توان از نظریه‌های زیادی نام برد، لکن در این پژوهش مبنا، نظریه زیر هست.

- نظریه عمق استراتژیک احمد داوود اوغلو[4]

احمد داوود اوغلو یکی از نظریه‌پردازان برجسته درزمینه «عمق استراتژیک» است. اوغلو در دکترین «عمق استراتژیک» خود بر غنای هویتی ترکیه تأکید کرد و در مقابل نظرات ساموئل هانتینگتون که ترکیه را به‌عنوان یک کشور «پاره» در «برخورد تمدن‌ها» می‌دید، استدلال کرد که این چندگانگی هویتی می‌تواند به‌عنوان یک دارایی ارزشمند عمل کند. او بر این باور بود که ترکیه باید هویت‌های متنوع مسلمان، عثمانی، اروپایی و

[1] Easton
[2] Cropsey
[3] Harkavy
[4] Ahmad Davutoglu's theory of strategic depth

آسیای میانه خود را بپذیرد و از آن‌ها بهره‌برداری کند، به‌جای اینکه فقط به سمت غرب برود. داوود اوغلو تأکید کرد که ترکیه تنها کشوری است که می‌تواند با دمشق، اورشلیم، تهران و واشنگتن گفت‌وگو کند و به‌عنوان یک میانجی و صلح‌جو در سطح منطقه و جهان عمل کند. درنتیجه، به‌جای داشتن رویکردی واکنش‌گرا و محور بحران، ترکیه سیاست خارجی خود را در دهه اول قرن بیستم متنوع کرد و از هویت چندوجهی‌اش برای حل چالش‌های جهانی بهره جست (Kaya:2020).

۲-۲- پیشینه تحقیق

نویسنده (ها)	سال انتشار	عنوان اثر	نوع اثر	
Ahmet Davutoğlu	2001	STRATEGIC DEPTH: TURKEY'S INTERNATIONAL POSITION	کتاب	«هدف»-«نتیجه»
اوغلو در این کتاب و در سه بخش، به ترتیب چهارچوب مفهومی و تاریخی، مؤلفه‌های قدرت و طراحی راهبردی، موقعیت ترکیه درصحنه جهانی و سیاست‌های ترکیه در جغرافیای سیاسی را بررسی می‌کند و درنهایت مدل خود را معرفی می‌کند.				
نویسنده (ها)	سال انتشار	عنوان اثر	نوع اثر	
Faruk Yalvaç	2012	Strategic Depth or Hegemonic Depth? A Critical Realist Analysis of Turkey'sPosition in the World System	مقاله	«هدف» - «نتیجه»
نویسنده در این مقاله تلاش دارد یک تحلیل واقع گرایانه انتقادی از مفهوم «عمق استراتژیک» ارائه دهد که بر تفکر ژئوپلیتیکی استوار شده است. نویسنده در این مقاله به مفهوم عمق هژمونی هم اشاره می‌کند و تفاوت آن را با مفهوم عمق استراتژیک بیان می‌کند.				
نویسنده (ها)	سال انتشار	عنوان اثر	نوع اثر	
Robert Mason	2021	Strategic Depth Through Enclaves: Iran, Syria, and Hezbollah	مقاله	«هدف»-«نتیجه»
نویسنده در این مقاله روابط دوجانبه ایران با دولت سوریه اسد و حزب‌الله را در چارچوب به اصطلاح محور مقاومت، به‌عنوان هدف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای افزایش عمق استراتژیک خود در سوریه پس از شروع درگیری در سال ۲۰۱۱، مورد نقد قرار داده است.				
نویسنده (ها)	سال انتشار	عنوان اثر	نوع اثر	
ناصر پورحسن	۱۳۹۶	تکوین عمق راهبردی هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه	مقاله	«هدف»-«نتیجه»
در این مقاله، نویسنده به تحلیل موقعیت و وضعیت ایران با توجه وضعیت ٦ سال قبل داشته است . نویسنده معتقد است که عمق راهبردی ایران از عمق راهبردی نرم در حال تبدیل شدن به عمق راهبردی هوشمند است نویسنده اظهار می‌کند که عمق راهبردی هوشمند ترکیبی از عمق راهبردی نرم و قدرت هوشمند خواهد بود که در برخی از کشورها مانند عراق به سرانجام رسیده و در برخی از کشورها مانند سوریه و یمن در حال آزمون است.				
نویسنده (ها)	سال انتشار	عنوان اثر	نوع اثر	
محمد ابراهیمی	۱۴۰۱	تأثیر امنیت هستی شناختی ج.ا.ایران بر عمق استراتژیک آن در غرب آسیا (۲۰۱۱-۲۰۲۲)	رساله دکتری	«هدف»-«نتیجه»

	نویسنده در این رساله دکتری به دنبال پاسخ به این سوال است که برداشت هستی شناسانه از امنیت چطور توانسته است بر عمق استراتژیک ایران تاثیر بگذارد، بر اساس مبانی هویتی و همچنین تاریخی و استفاده از متن قانون اساسی و و عقاید رهبران جمهوری اسلامی را بررسی کرده است و در نهایت معتقد است که عمق استراتژیک ارتباط مستقیمی با امنیت هستی شناسانه در ایران دارد و اهمیت این نوع امنیت و و تهدیداتی که در منطقه وجود دارد ایران را وادار به اتخاذ چنین استراتژی کرده است.			
	نویسنده (ها)	سال انتشار	عنوان اثر	نوع اثر
«هدف» «نتیجه»	مجید چراغی	۱۳۹۶	داعش و عمق استراتژیک ایران در خاورمیانه	پایان نامه ارشد
	نویسنده در این پژوهش به دنبال ارتباط بین داعش و عمق استراتژیک ایران بوده است . در این پایان نامه فرضیهٔ پژوهش این بوده است که تهدید داعش باعث شده ایران از آن به عنوان فرصتی برای تعمیق عمق استراتژیک خود استفاده نماید. نویسنده در این پژوهش به این نتیجه رسیده که ظهور داعش باعث افزایش عمق استراتژیک در بین کشورهای منطقه گردیده است.			
	نویسنده (ها)	سال انتشار	عنوان اثر	نوع اثر
«هدف» «نتیجه»	محسن باقری،علی امیدی،عنایت الله یزدانی	۱٤۰۰	تأثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران	مقاله
	همانطور که از عنوان مقاله پیداست نویسنده با روش توصیفی و تحلیلی به این نتیجه رسیده است که ایران از طریق ایجاد و تاسیس گروه‌های وفادار و پایگاه مقاومت در منطقه،اتحاد استراتژیک با سوریه و سایر متحدان غیردولتی و افزایش موازنه بیرونی قدرت، ارتقای توانایی موشکی ایران و تقویت موازنه درونی قدرت، افزایش قدرت نظامی حزب الله، حماس و جهاد اسلامی و تضعیف توانایی بازدارندگی و کاهش ضریب امنیت ملی رژیم صهیونیستی توانسته بر عمق استراتژیک ایران تاثیر بگذارد.			
	نویسنده (ها)	سال انتشار	عنوان اثر	نوع اثر
«هدف» «نتیجه»	Seth Cropsey	2018	Strategic Depth & Israel's Maritime Strategy	مقاله
	تمرکز نویسنده بر این است که اسرائیل عمق استراتژیک کمی دارد و باید سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی دریا انجام دهد و در ادامه این سوال را مطرح می‌کند که چه چیزی توجه استراتژی اسرائیل را به دریا جلب می کند؟ نیاز به فاصله فیزیکی بین یک تهدید و آنچه باید محافظت شود – عمق استراتژیک.			

مطالعه موارد ذکر شده کمک کرد تا بتوان نسبت به موضوع و مفهوم عمق استراتژیک اطلاعات پیدا کرد لکن آنچه برای پژوهشگر روشن نشد این بود که بجز مولفه‌های نظامی، چه مولفه های دیگری در تعمیق شناخت مفهوم عمق استراتژیک وجود دارد؟ و اینکه این مولفه‌ها چه رتبه و جایگاهی از منظر نخبگان خواهند داشت؟

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، در زمرهٔ پژوهش‌های نظری محسوب می‌شود. این تحقیق به روش آمیخته انجام شده شده است. داده‌های مربوطه از طریق منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و نیز پایگاه‌های رایانه‌ای گردآوری شده است. سپس مولفه‌ها و ابعاد یافت شده به رای خبرگان قرار داده شد و مهم‌ترین مولفه‌ها شناسایی شدند.

٤- یافته‌های پژوهش

٤-١ عمق استراتژیک و ژئوپلیتیک

مفهوم «عمق استراتژیک» یک موضوع ژئوپلیتیکی است که تأثیر سیاست، قدرت و جغرافیا را در خود جای‌داده و به‌عنوان عاملی کلیدی در دفاع و گسترش قدرت کشورها شناخته می‌شود. دولت‌ها همواره سعی دارند از عمق استراتژیک خود برای حفاظت از منافع اقتصادی، سیاسی و جمعیتی خود دفاع کنند و آن‌را توسعه دهند. این مفهوم پایه‌گذار سیاست‌های دفاعی و خارجی کشورهای بزرگ بوده و محرکی برای رویدادهای مهم تاریخی است (Weidokal, 2018). عمق استراتژیک به منافع ملی مربوط است و ویژگی‌های جغرافیایی می‌تواند زیرساخت این منافع به شمار آید (Hafeznia,2006:120).

٤-٢ مؤلفه‌ها و ابزارهای عمق استراتژیک

در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، کشورها به روش‌های مختلف تلاش می‌کنند بر دیگر جوامع تأثیر بگذارند (Altiami Nia, 2016:174). احمد داوود اوغلو، نظریه‌پرداز ترکیه‌ای، عمق استراتژیک را به‌عنوان نتیجه‌ای از عوامل وابسته به ژئوپلیتیک می‌داند و این دکترین را بر اساس تاریخ و جغرافیا فراتر از مرزهای ترکیه بنا می‌کند. او معتقد است که عوامل ژئواکونومیکی، ژئواستراتژیک، ژئوکالچری و ... در شکل‌گیری عمق استراتژیک یک کشور اهمیت دارند (Oghlu, 2012). عوامل مؤثر بر تأثیرگذاری بر دیگر جوامع را می‌توان به دو دسته مؤلفه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تقسیم کرد. در ادامه به بررسی مؤلفه‌های نرم‌افزاری می‌پردازیم.

٤-٢-١ مؤلفه‌های نرم‌افزاری

١. زبان

زبان، به‌عنوان ابزار اصلی ارتباطی، نقش کلیدی در درک مناسبات بین‌المللی و تجلی قدرت و سلطه ایفا می‌کند و رکن اصلی خودشناسی ملی است (Badi'i Azandahi & Golshan, 2005). در سیاست، زبان ابزاری برای بسیج اجتماعی و ایجاد هویت و وفاداری است (Shohami, 2006). زبان دیپلماتیک، هنر انتقال مؤثر پیام است و به‌طور خاص، باید به‌صورت متقاعدکننده و بدون به‌کارگیری موارد غیرضروری باشد (Tsvetkova, 2017). این مفهوم نشان می‌دهد که زبان بخشی از فرهنگ است و باارزش‌ها و باورهای افراد پیوندی عمیق دارد (De Vera, 2022). در این راستا، زبان می‌تواند یکی از عناصر قدرت برای کشورهای مختلف باشد، به‌ویژه از طریق آموزش و گسترش خود در دیگر کشورها (عادل، ١٣٩٨).

امروزه نفوذ زبانی به‌ویژه در قدرت‌های بزرگ و پیشرفته اهمیت پیدا کرده است. برای مثال، دبیر دائمی فرهنگستان فرانسه نسبت به تهدید «هیولاهای زبانی» و تأثیر منفی آن‌ها بر زبان فرانسوی هشدار داده و تأکید کرده که زبان و فرهنگ به یکدیگر وابسته‌اند و باید در برابر این تهدیدات ایستادگی کرد (Salary, 2022).

۲. ایدئولوژی و مذهب

حضور دین در طول تاریخ و در سراسر جهان نشان‌دهنده آن است که بشریت به صورت فطری به دین گرایش دارد. دین‌شناسان و متفکرانی چون الیاده و کنیگ بر این نکته تأکید دارند که زندگی بشری همیشه تحت تأثیر تجربه‌های دینی بوده است. از سوی دیگر، ایدئولوژی به مجموعه‌ای از نظام‌های فکری اشاره دارد که به‌واسطه شرایط اجتماعی شکل‌گرفته و افراد جامعه نیز در تفسیر آن سهم دارند (Mannheim,1971:60). ایدئولوژی می‌تواند به باورهای نظام‌مند درباره سیاست و اندیشه‌های نظری و عملی مرتبط باشد (Halliday,2005:196). مک‌کوبین اونز بیان می‌کند که استراتژی می‌تواند گفت‌وگویی مداوم بین سیاست و عوامل دیگری مانند فرهنگ، مذهب و اقتصاد ایجاد کند (Lucius,2012: 66). مذهب نیز در تعیین مرزهای جغرافیایی و تأثیر بر ثبات سیاسی کشورها نقش داشته و به نظر می‌رسد که در قرن بیستم مجدداً به ژئوپلیتیک بازگشته است (Ahmadi, 2010). مذهب، به‌عنوان نیرویی مؤثر در هدایت رفتار انسانی، باید در عرصه سیاست و امنیت ملی موردتوجه قرار گیرد (Elshtain:2004). ایدئولوژی نه‌تنها به‌عنوان نیروی محرک عمل سیاسی، بلکه به‌عنوان راهنمایی برای تفسیر واقعیت‌ها در هر کشوری برای ارتقای قدرت ملی ضروری است (Kamalaara, 2021) منافع ملی اساس سیاست خارجی کشورهاست و درک این منافع نیازمند توجه به شاخص‌های ژئوپلیتیکی، فرهنگی و تاریخی است. عمق استراتژیک از منظر شعاع نفوذ و سطح تأثیرگذاری بررسی می‌شود؛ هرچه این دو باهم قوی‌تر باشند، تأثیر کشور در حوزه‌های مختلف بیشتر خواهد بود(Motaghi, 2021).

عمق استراتژیک یک کشور را می‌توان از دو جنبه شعاع و سطح نفوذ بررسی کرد. شعاع به حوزه‌های تأثیرگذاری اشاره دارد و هرچه بیشتر شود، توانایی کشور در تصمیم‌سازی گسترش می‌یابد. سطح نفوذ به عمق تأثیر سیاست‌های یک کشور بر دیگر بازیگران مربوط می‌شود. عمق استراتژیک دارای دو جنبه سلبی (ایجاد امنیت و کاهش تهدیدها) و ایجابی (تقویت روابط حسنه از طریق اشتراکات فکری و ارزشی) است(Kazemi, 2012). نقش دین در حفظ هویت‌های فرهنگی و ملی تاریخی حائز اهمیت است و انسان‌ها به‌طور طبیعی تمایل به ایجاد جوامع معنادار باارزش‌ها و اهداف مشترک دارند. ارزش‌های دینی می‌توانند بهترین بسترها برای ایجاد هویت مشترک باشند(Coyer:2023).

۳. گفتمان جهان‌شمول

اصطلاح گفتمان در دهه ۱۹۵۰ به‌ویژه در علوم اجتماعی و انسانی رواج یافت. پیش از آن، امل بنونیست در دهۀ ۱۹۶۰ آن را به‌صورت علمی و زبان‌شناسانه معرفی کرد. دیگر اندیشمندان مانند مایکل مان، دایان مک‌دانل، میشل فوکو، مایکل استابز و تئون ای ون دایک نیز به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند (Farghani, 2003:60-62)

نورمن فرکلاف گفتمان را به‌عنوان مجموعه‌ای از عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و خود متن تعریف می‌کند. همچنین ون دایک گفتمان را مفهومی پیچیده و مبهم می‌داند که نیاز به توجه به تنوع تعاریف آن در رشته‌های مختلف علمی دارد.(Mirfakhraei, 2004) فرکلاف بر لزوم درک تنوع تعاریف گفتمان در زمینه‌های مختلف علمی تأکید می‌کند و این تنوع می‌تواند ناشی از استفاده فراگیر این اصطلاح در رشته‌های مختلف ازجمله نظریه انتقادی، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی باشد(Guardado,2018:24).

زندگی مدرن ماتحت تأثیر دنیای بین‌الاذهانی قرار دارد که در آن گفتمان به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به برنامه‌ها، تولید معنا و مشروعیت‌بخشی به منافع عمل می‌کند. ایالات‌متحده با رویکردی خودمحور، سیاست‌های خارجی خود را مثبت و سیاست‌های رقبای خویش را منفی توصیف می‌کند، که این امر به حاشیه راندن دیگر صداها منجر می‌شود. این نوع گفتمان نه‌تنها سیاست‌ها را شکل می‌دهد بلکه نقش مهمی در ارائه و توجیه آن‌ها به جامعه ایفا می‌کند. برای مثال، مداخلات نظامی ایالات‌متحده به‌عنوان «دلیل عادلانه» معرفی می‌شوند درحالی‌که مداخلات کشورهای دیگر به‌عنوان «تجاوز» تلقی می‌شوند. تحلیل گفتمان به درک بهتر سیاست خارجی کشورهای دیگر کمک کرده و به سیاست‌گذاری جهانی گسترش می‌یابد. مثال بارز این گفتمان، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هستند که بدون چارچوب‌بندی گفتمانی، معنایی نخواهند داشت. این تحلیل‌ها برای توجیه جنگ و نظارت بسیار ارزشمند هستند(GRipley:2017) .

هر انقلاب، علاوه بر ایجاد یک سامان‌دهی سیاسی جدید، گفتمان‌ها و اصطلاحات جدیدی را معرفی می‌کند که فراتر از مرزهای جغرافیایی تأثیرگذار است. به‌عنوان‌مثال، انقلاب کبیر فرانسه، نظام‌های سلطنتی را به چالش کشید و گفتمان مردم‌سالاری را شکل داد. همچنین، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی گفتمان جدیدی را ایجاد کرد که به ادبیات مشترک روشنفکران و فعالیت‌های انقلابی تبدیل شد(Ayubi, 2001:84).

گفتمان جهان‌شمول نه به‌عنوان یک رویکرد انتقادی در برابر مادی‌گرایی، بلکه به‌عنوان ابزار قدرت و نفوذ در عرصه ژئوپلیتیک در نظر گرفته می‌شود. گفتمان جهان‌شمول زمانی که با مؤلفه‌های مادی مانند قدرت اقتصادی، نظامی و تکنولوژیک ترکیب شود، می‌تواند به ابزاری برای بسط عمق استراتژیک کشورها تبدیل شود. کشورهایی که توانایی تولید، هدایت و تحمیل یک گفتمان مسلط را دارند، قادرند بر ساختارهای قدرت جهانی تأثیر بگذارند و وابستگی‌های ژئوپلیتیکی ایجاد کنند. برای مثال، گفتمان‌هایی مانند دموکراسی لیبرال،

سوسیالیسم یا مقاومت اسلامی، هنگامی که در کنار ابزارهای سخت قدرت قرار می‌گیرند، می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به محیط امنیتی و ژئوپلیتیکی کشورها ایفا کنند. بنابراین، گفتمان جهان‌شمول به‌عنوان یکی از ابعاد اعمال قدرت و توسعه عمق استراتژیک، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

٤.فرهنگ

آنتونی گیدنز[1]، فرهنگ را مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، رفتارها و شیوه‌های زندگی می‌داند که در تولیدات مختلف نمایان می‌شود(Zohraei, 1389). مطالعات کالین گری نشان می‌دهد که فرهنگ بر قدرت، امنیت و دفاع تأثیر عمیقی .(Gray, 2006)

یکی از جنبه‌های برجسته فرهنگ امروز تأثیر مد بر پوشش و لباس است. در تاریخ، گروه‌های فعال از مد به‌عنوان ابزاری استراتژیک استفاده کرده‌اند؛ لباس‌هایی مانند داشیکی و مدل موی آفریقایی به نمادهای قدرت و مقاومت تبدیل شدند که نمایانگر تلاش برای مبارزه با بی‌عدالتی نژادی و تجلیل از میراث آفریقایی است(FibreFashion:2024). یکی از برجسته‌ترین جنبش‌های اجتماعی قرن نوزدهم، جنبش حق رأی زنان بود که به دنبال تضمین حقوق روی و رفتار برابر با زنان بود. مد به میدان نبرد برای حقوق زنان تبدیل شد(https://fashionology.in). تلاقی مد و فعالیت سیاسی به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای بیان ایدئولوژی‌ها، به چالش کشیدن هنجارها و حمایت از تغییرات اجتماعی عمل کرده است .(Padma, 2023) اینجا دو جنبه قابل‌تفکیک وجود دارد: یکی تأثیر فرهنگ بر رفتار سیاسی و کنش‌های دیپلماتیک و دیگری تأثیر فرهنگ بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی. این دو جنبه درواقع دوروی یک سکه هستند (Naghizadeh, 1999). تحولات اخیر در روابط بین‌الملل نشان‌دهنده اهمیت فرهنگ در دستیابی به اهداف میان دولت‌ها و ملت‌هاست، به‌طوری‌که امروزه اتحادیه‌های فرهنگی در سطح جهانی شکل‌گرفته‌اند تا زمینه تنازعات و چالش‌های بین‌المللی را کاهش دهند (Kim, 2009). فرهنگ و قدرت ملی به‌طور قوی باهم مرتبط هستند. نظریه «برخورد تمدن‌ها» اثر هانتینگتون تأکید می‌کند که گسل‌های فرهنگی ممکن است در آینده منجر به جنگ‌ها و بحران‌های جدید شوند. پاتریک چانال نیز در اثر خود بیان می‌کند که سیاست و قدرت تحت تأثیر فرهنگ قرار دارند و به تحلیل سیستم‌های سیاسی غرب بر اساس پیش‌فرض‌های توسعه فرهنگی می‌پردازد. ترکیب فرهنگ و قدرت می‌تواند به کشف روابط پنهان و ابعاد سیاسی فرهنگ منجر شود (Salehabadi, 2020, citing Wolf, 2001). در نهایت، بسیاری بر این اعتقادند که فرهنگ استراتژیک محصولی از جغرافیا، تاریخ و روایت‌های مشترک هر کشور است و این عوامل جهان‌بینی حاکم بر تأسیسات امنیت ملی کشور را

[1] Anthony Giddens

شکل می‌دهند و پاسخ آن را به چالش‌ها و تهدیدها هدایت می‌کنند(Solosky and Rumer, 2020).نقش فرهنگ و ارزش‌ها در اقتدار ملی در کنار دیگر عوامل (سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی، اطلاعاتی و امنیتی) اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا تهدیدات خارجی و داخلی معمولاً به‌شکل نمادین و ظاهری بروز می‌یابند، درحالی‌که تهدیدات فرهنگی می‌توانند به‌صورت پنهانی باعث فرسایش و دگرگونی ارزش‌های یک جامعه شوند(Khodaei, 2010). از آن‌جایی‌که عمق استراتژیک ارتباط مستقیمی با قدرت ملی دارد و مؤلفه‌های فرهنگی در این زمینه نقش بسزایی ایفا می‌کنند، می‌توان گفت که فرهنگ در ایجاد و بسط عمق استراتژیک مؤثر است. والراشتاین نیز تأکید می‌کند که «عناصر فرهنگی قدرت به‌مراتب اثرگذارتر و عمیق‌تر از سایر منابع هستند» (Wallerstein, 1998)

۵.هنر

تعاریف معاصر هنر بر ابعاد مختلف آن تأکید می‌کنند: برخی به ویژگی‌های نهادی آن پرداخته و برخی دیگر به ویژگی‌های زیبایی‌شناختی فراتر از آن توجه دارند(Adajian, 2022). هنر نه‌تنها بر کنش‌ها و تصمیم‌سازی‌های دولتی تأثیر می‌گذارد، بلکه در برخی کشورها به‌عنوان یکی از منابع کلیدی قدرت ملی شناخته می‌شود. ویژگی‌های چندگانه هنر باعث شده است که دولت‌ها و بازیگران سیاسی به نقش آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. هنر نه‌تنها برکنش‌ها و تصمیم‌سازی‌های دولتی تأثیر می‌گذارد، بلکه در برخی کشورها به‌عنوان منبع کلیدی قدرت ملی شناخته می‌شود.(Ibid).

گاهی اوقات، آثار هنری به‌طور خاص برای حمایت از ساختارهای قدرت ایجاد می‌شوند. دولت‌ها به دلایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از برخی از اشکال هنر حمایت می‌کنند (Kovancılar & Kahriman, 2007). به‌رغم تأثیر قوی هنر در تحلیل اجتماعی–سیاسی، پیام‌های هنری گاهی اوقات نادیده گرفته می‌شوند (Vaughan, 2019). درواقع هنر درزمینه های مختلف ازجمله تفکر انتقادی، زیبایی‌شناسی، هدایت جوامع، تأمین صلح و نظم به سیاست کمک می‌کند، این در حالی است که هنرمندان با ورود به عرصه سیاست نمی‌توانند جایگاه خود را در عرصه سیاست به‌عنوان هنرمند حفظ کنند(Demirel & Altintas,2012:446) . هنر همیشه به‌عنوان یک رسانه قدرتمند برای تفسیر اجتماعی–سیاسی عمل کرده است(Vaughan:2019). آثار هنری ممکن است برای حمایت از ساختارهای قدرت فعلی خلق شوند، دستگاه دیپلماسی کشورهای مختلف، ازجمله ایالات‌متحده، برای به‌دست آوردن قدرت و اعتبار از هنر به‌عنوان ابزاری مؤثر استفاده می‌کند. به‌عنوان‌مثال، لودویگ فان بتهوون گفته است: "موسیقی می‌تواند جهان را تغییر دهد" (Galustian & Hosseini, 2023). در عصر انقلاب تکنولوژیک و رسانه‌ای، رسانه‌ها تبدیل به ابزارهای تأثیرگذاری در معادلات قدرت شده و زمینه‌ساز ظهور کنشگران و افکار مختلف هستند. (Sarkheil, 2019). یکی از مثال‌های عینی قدرت هنر و رسانه، هالیوود است. این صنعت به حوزه‌های مختلف ازجمله سیاست و اقتصاد

نفوذ کرده است. سینما به‌ویژه در سیاست خارجی آمریکا کاربردهای مهمی دارد و هالیوود به‌عنوان یک ابزار قدرت نرم، به تحقق منافع ایالات‌متحده کمک می‌کند (Khalighi Nejad, 2022).

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات‌متحده از فیلم‌هایی که با موضوعات امنیت ملی مرتبط بودند، حمایت می‌کند؛ این فیلم‌ها معمولاً ایدئولوژی نازی را محکوم و تهدید کمونیسم را مطرح می‌کنند، و به بیداری احساسات میهن‌پرستانه آمریکایی‌ها کمک می‌کنند. رابطه نزدیک وزارت جنگ و هالیوود به تبلیغ ارتش ایالات‌متحده کمک کرده و ارزش‌ها و مواضع ژئوپلیتیک آمریکایی را ترویج می‌دهد. همچنین، فیلم "اسپکتر" جیمز باند در سال ۲۰۱۵ نشان‌دهنده نفوذ هالیوود و استراتژی آن برای جذب و اقناع عمومی حول ارزش‌های آمریکایی است (Heidbrink & Noel, 2024).

ششی ثارور، وزیر پیشین هند، بیان کرده است که بزرگ‌ترین دارایی هند در افغانستان، هنر و فرهنگ است نه ارتش، و سریال «ساس» نمونه‌ای از فرهنگی است که برای افغان‌ها ارزشمند است (Geopolitics at the Movies: 2023). هنر یک موضوع فرامرزی است و به‌عنوان ابزاری برای قدرت ملی شناخته می‌شود؛ زیرا می‌تواند فراتر از مرزها با مردم ارتباط برقرار کند. هنر بر اساس دوستی و روابط انسانی استوار است و برخلاف دیگر مبانی قدرت که ممکن است بر تهدید و حذف تمرکز کنند، به همگرایی و تبدیل روابط اشاره دارد. همچنین، جنبه‌های غیردولتی و غیرمادی قدرت می‌تواند به تقویت قدرت یک کشور کمک کند (Zarif, 2024).

٦- حضور در پیمان‌ها و اتحادهای منطقه‌ای[1]

منطقه به‌عنوان یک مفهوم جغرافیایی، در فرایند سیاسی به موضوعی ژئوپلیتیکی تبدیل می‌شود (Hafeznia, 2004: 65).مناطق جغرافیایی بر اساس ویژگی‌های ساختاری نظیر شکل فضایی، نوع اقلیم، زبان، مذهب، فرهنگ و همچنین ویژگی‌های کارکردی مانند تولید و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تعیین هویت می‌شوند. زمانی که این ویژگی‌ها ازنظر سیاسی بارور شوند، منطقه به یک منطقه ژئوپلیتیک تبدیل می‌گردد(Hafeznia, 2006: 111).

عمق استراتژیک هر کشور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علایق ژئوپلیتیکی[2] آن شناخته می‌شود و این علایق با منافع ملی[3] هم‌راستا است. منافع ملی پایه‌گذار سیاست خارجی کشورهاست و برای درک آن لازم است شاخص‌های ژئوپلیتیکی، ساختاری، فرهنگی و تاریخی در نظر گرفته شوند. منافع ملی با توجه به ائتلاف‌ها و ضد ائتلاف‌ها تغییر می‌کند و درک آن به تاریخ و هویت هر جامعه مربوط می‌شود(Moteqi, 2018). استفن والت، نظریه‌پرداز واقع‌گرایی تدافعی، بیان می‌کند که در شرایط ناامنی، دولت‌ها برای حفاظت از خود اتحادیه

[1] Regional coalition
[2] Geopolitical interests
[3] National Interest

تشکیل می‌دهند و رفتار آن‌ها تحت تأثیر تهدیدهایی است که احساس می‌کنند. ادراک دولت‌ها از تهدید به عوامل مختلفی مثل قدرت کلی، هم‌جواری جغرافیایی و نیات تهاجمی بستگی دارد (Seyfi & Poorhasan, 2019: 43).

در شرایط باثبات، کشورها معمولاً روابط استراتژیک را با اهداف اقتصادی و توسعه‌ای شکل می‌دهند، اما در دوره‌های نوسان، بیشتر به دنبال ایجاد اتحادهای طبیعی با کارکرد ژئواستراتژیک هستند. کشورهایی مانند بریتانیا به دنبال ایجاد "مزیت استراتژیک" از طریق اتحادهای مؤثر برای تقویت قدرت و نفوذ نظامی خود هستند. این اتحادها می‌توانند نقش حمایتی در زمان بحران ایفا کنند و در ایجاد عمق استراتژیک، امنیت یک کشور را گسترش دهند. از دیدگاه جغرافیایی، متحدان به‌عنوان حائل‌های فیزیکی در برابر تهاجم عمل می‌کنند (Elefteriu, 2023).

مواردی که تشریح شد، مؤلفه‌های نرم‌افزاری عمق استراتژیک به شمار می‌آیند. درواقع این موارد آن دسته ای از مؤلفه‌هایی هستند که یک کشور می‌تواند بدون توسل به قدرت دفاعی و نظامی آن را ایجاد یا تقویت نماید و به گسترش دامنه عمق استراتژیک خود بیفزاید. در ادامه به معرفی مؤلفه‌های سخت‌افزاری خواهیم پرداخت.

٤-۲-۲ مؤلفه‌های سخت‌افزاری

۷- موقعیت جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی یک کشور به‌طور مؤثر در افزایش قدرت ملی و جایگاه آن در یک منطقه ژئوپلیتیکی نقش دارد. درک صحیح این جایگاه از سوی سیاست‌گذاران در سطوح ملی و منطقه‌ای اهمیت بسزایی دارد (Hafeznia & Ghaderi Hajjat, 2010: 23). دسترسی به موقعیت جغرافیایی مناسب، یکی از عوامل کلیدی در پیروزی در مسائل استراتژیک و دفاعی محسوب می‌شود (Garnett, 1987: 8). برخی معتقدند که سیاست هر کشور تحت تأثیر جغرافیای آن قرار دارد (Roshandel, 2005). ژول کامبون معتقد است که موقعیت جغرافیایی یک ملت، عامل مشروط کردن سیاست خارجی آن است (Sarabi and etal,2023:128).

رابطه بین موقعیت جغرافیایی و سیاست خارجی کشورها، به موضوعی کلیدی در مطالعات ژئوپلیتیکی تبدیل‌شده است (Hafeznia, 2007: 89). عمق استراتژیک، که به‌ویژه بر عامل جغرافیایی تمرکز دارد، نشان می‌دهد که معمولاً کشوری با عمق استراتژیک بیشتر ازنظر نظامی در مقایسه با کشورهای با عمق کمتر، مزیت بیشتری دارد. این عمق به توان دفاعی کشور کمک کرده و چالش‌های جدی برای متجاوزان ایجاد می‌کند، به‌ویژه در شرایطی که امنیت ملی تحت تهدید همسایگان متخاصم قرار دارد (Retd, 2015). اساس امنیت ملی یک کشور، داشتن عمق استراتژیک است (Chowdhury, 2009)

وضعیت مرزی و جغرافیایی آن نیز بر عمق استراتژیک تأثیرگذار است. اشکال و وضعیت اراضی داخل مرزها می‌تواند مزایا و تهدیداتی به همراه داشته باشد. به‌طورکلی، یک فضای وسیع می‌تواند عمق استراتژیک ایجاد کرده و حاشیه امنیتی برای کشور فراهم کند(Hafeznia, 2007: 91) عمق استراتژیک بر اساس مفاهیم سنتی و نظامی به میزان و طول مرزهای خشکی و وسعت کشور بستگی دارد، که می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی بر قدرت ملی داشته باشد. مرزهای طولانی شاید باعث دشواری در تمرکز نیروهای دفاعی شود، اما از سمت دیگر، می‌تواند مانع درگیری‌های متمرکز شود و عقبه استراتژیکی قوی‌تری فراهم آورد (Salehabadi, 2020: 298).

۸ موقعیت ترانزیتی و گذرگاهی

ترانزیت به معنای عبور، حمل‌ونقل و ترابری است (Afshordi & Nadri, 2020: 12) درآمدهای حاصل از ترانزیت به موقعیت جغرافیایی کشورهای واسط بستگی دارد(Rezaei Arjroodi, 2016: 1) ترانزیت بین‌المللی به‌موازات گسترش فناوری‌های بشری، زمینه‌ساز توسعه روابط اقتصادی و تجاری میان کشورهاست (Arnold, 2006: 3).کشورهای با موقعیت کریدوری، با فراهم کردن امکانات تردد، موقعیت کنترلی و قوی‌تری نسبت به سایر کشورها پیدا می‌کنند(Hafeznia Interview, 2017).

موقعیت ترانزیتی نه‌تنها به درآمد ملی کمک می‌کند، بلکه کنترل بیشتری برای کشور ترانزیتی ایجاد می‌نماید و به سیاست خارجی کشورها نیز ارتباط دارد .(Salehabadi, 2020: 174) برای اینکه فعالیت‌های حمل‌ونقل اثرات اقتصادی مثبتی داشته باشند، نیاز به زیرساخت‌های قوی و برنامه‌ریزی روزمره است (Öztürk & Uzun, 2010: 95).سازمان ملل نیز بر توسعه کریدورهای حمل‌ونقل به‌منظور بهبود تجارت و گردشگری بین‌المللی تأکید دارد (Yıldırır Keser, 2015: 174)

کریدورهای ترانزیتی و اجزای آن مانند بندرها، کانال‌ها و مسیرهای ریلی و جاده‌ای نقش ژئواستراتژیکی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و مناسبات جغرافیایی دارند. به‌طورکلی، قدرت‌های جهانی برای رقابت در این فضاهای جغرافیایی به فناوری حمل‌ونقل توجه زیادی دارند(Mojtahedzadeh, 2002: 284).

موقعیت کریدوری یک کشور و استفاده حداکثری از آن‌یکی از راه‌های تقویت و ارتقای سطح امنیت ملی است. شکوفایی ظرفیت‌های ترانزیتی کشور علاوه بر آنکه باعث استحکام ساختار اقتصادی با تنوع و افزایش در منابع درآمدی کشور، نقش بسیار مهمی در ظرفیت ژئوپلیتیک یک کشور دارند(Acar et al, 2015:94). توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و مهم‌تر از همه بهره‌برداری حداکثری از آن با توجه به موقعیت جغرافیایی کشور، بر ایجاد مشارکت استراتژیک با کشورهای همسایه، تشکیل اتحاد و بلوک‌های جدید ژئوپلیتیک و

ژئواکونومیک مؤثر خواهد بود(parand,2013:1). و این موضوع می‌تواند به ایجاد و تقویت عمق استراتژیک کشورها کمک شایانی نماید.

۹- موقعیت ژئوپلیتیکی[1]

عوامل متعددی بر روابط بین کشورها تأثیر می‌گذارند که ژئوپلیتیک یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. در ژئوپلیتیک، عوامل محیط جغرافیایی در روابط داخلی و خارجی کشورها نقش بسزایی دارند و متغیرهای منطقه‌ای بر خط‌مشی سیاست خارجی و مسائل استراتژیک هر کشور تأثیر می‌گذارند (Salehabadi, 2020: 172).

موقعیت ژئوپلیتیکی به جایگاه یک کشور یا منطقه در نظام بین‌الملل اطلاق می‌شود که بر اساس ترکیبی از عوامل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، نقش و اهمیت آن را در تحولات جهانی تعیین می‌کند. برخلاف مفهوم ژئوپلیتیک که به مطالعه تأثیر جغرافیا بر سیاست بین‌الملل می‌پردازد، موقعیت ژئوپلیتیکی به وضعیت خاص یک کشور یا منطقه در یک مقطع زمانی مشخص اشاره دارد و می‌تواند به دلیل تغییر در محیط بین‌المللی یا داخلی، دچار تحول شود (Flint, 2017:64). ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل، سیاست و روابط خارجی به‌طور نزدیک با یکدیگر مرتبط هستند و دانش ژئوپلیتیک به‌عنوان راهنما برای تنظیم روابط دوجانبه و چندجانبه کشورها عمل می‌کند. امروزه، کشورها باید برای بقا و افزایش قدرت ژئوپلیتیکی خود، روابط خارجی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد کنند. سیاست خارجی هر کشور تحت تأثیر اهداف و آرمان‌های سیستم حکومتی آن در دوره‌های مختلف است و شناسایی متغیرهایی که بر منافع ملی تأثیر می‌گذارند، بسیار حیاتی است. یکی از این متغیرها، علایق ژئوپلیتیکی است که به‌عنوان منبع قدرت و فرصت برای تأمین نیازهای مختلف کشور مطرح می‌شود(Hafeznia, 2017: 196). علایق ژئوپلیتیکی فراتر از منافع ملی عمل کرده و به تقویت وزن ژئوپلیتیکی کشورها کمک می‌کنند (Hafeznia & Romina, 2017: 232). شناسایی محدودیت‌ها و امکانات برای دستیابی به سیاست خارجی کارآمد یکی از وظایف مهم ژئوپلیتیک است. برای درک دقیق‌تر ژئوپلیتیک در سیاست خارجی کشورها، تحلیل واقع‌گرایانه از محیط جغرافیایی پیرامون یک واحد سیاسی لازم است. در این راستا، مطالعات ژئوپلیتیک می‌تواند استراتژی‌های سیاست خارجی کشورها را تعیین کند و اولویت‌های اساسی آن‌ها را مشخص سازد (Ghalibaf & Pour Mousavi, 2008: 55)

۱۰- تسلط بر تنگه‌های استراتژیک[2]

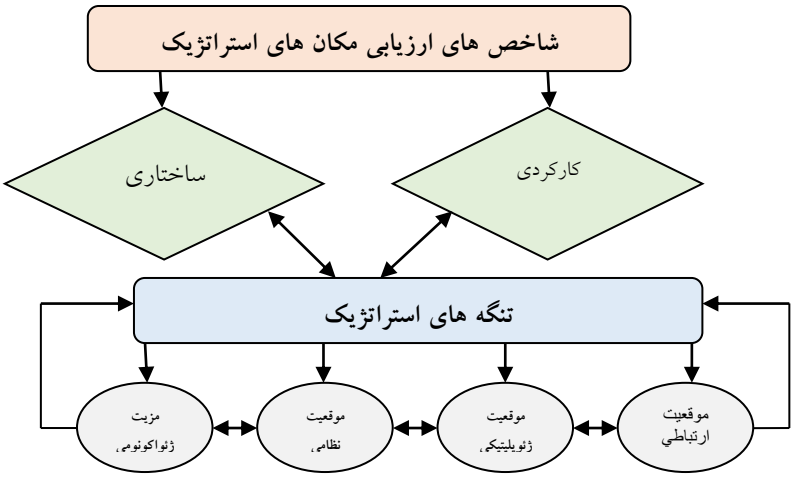
[1] Geopolitical position
[2] Strategic Straits

تنگه‌های استراتژیک به‌عنوان عوامل جغرافیایی، به خاطر ارزش‌های ارتباطی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی خود، در موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی نقش مهمی ایفا می‌کنند. دولت‌ها از این تنگه‌ها به‌عنوان ابزاری در سیاست خارجی خود بهره می‌برند. رابطه مستقیمی بین قدرت دولت ساحلی و قابلیت استفاده از تنگه به‌عنوان ابزار اعمال سیاست خارجی وجود دارد؛ یعنی هر چه قدرت دولت ساحلی بیشتر باشد، توانایی استفاده از تنگه‌ها در امور بین‌المللی نیز افزایش می‌یابد. مسیرهای دریایی بین‌المللی شامل آبراهه‌ها، تنگه‌ها و دماغه‌ها بوده و در کل نزدیک به ۲۰۰ مورد از این مکان‌ها در جهان وجود دارد، اما تنها تعداد کمی از آن‌ها ازنظر استراتژیک اهمیت ویژه‌ای دارند.(Abbasi et al., 2015: 32)

در طول تاریخ، اهمیت دسترسی به تنگه‌های استراتژیک تحت سه مجموعه منافع تعریف شده است: ۱) منافع نظامی و برتری در جنگ؛ ۲) منافع تجاری که نیازمند دسترسی بدون مانع به آبراه‌ها و بنادر تجاری است؛ و ۳) منافع تسلط اقتصادی که شامل انحصار استفاده از تنگه‌ها و جلوگیری از دسترسی رقبا می‌شود (Khaniha & Pishgahi-Far, 2009: 3).

دکتر حافظ‌نیا بر این باور است که موقعیت مکانی استراتژیک مکانی است که رویدادهای آن دارای تأثیرات منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی است و می‌تواند به‌عنوان مرکز ارتباطات یا تمرکز نیروهای نظامی و دفاعی مورداستفاده قرار گیرد (Hafeznia, 1999: 2). برخی مکان‌ها به دلیل ویژگی‌ها و کارکردهای خاص خود، تأثیرات زیادی بر روابط بین‌الملل دارند. مهم‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی استراتژیک بودن مکان‌ها شامل: موقعیت ارتباطی، منابع طبیعی و اقتصادی باارزش، نزدیکی به تنگه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی، قرارگیری میان مناطق مهم، موقعیت نظامی و دسترسی به آب‌های آزاد می‌باشند (Mirzaeitabari, 2014: 74). بنابراین، تنگه‌های بین‌المللی به‌عنوان مکان‌های استراتژیک شناخته می‌شوند.

تنگه‌ها به دلیل برخورداری از موقعیت‌هایی که هم در قدرت ملی و سیاست خارجی کشورها تأثیرگذارند و هم در استراتژی‌های نظامی بری و بحری موردتوجه هستند و نیز به دلیل اینکه به کشورهای ساحلی خود، امکان کنترل رفت‌وآمدها را می‌دهند، دارای ارزش استراتژیکی هستند (همان:۳).



چارت شماره ۱ : اهمیت و ارزش تنگه‌های استراتژیک منبع : نویسنده

۱۱- مناسبات اقتصادی و ژئواکونومیک باکشورهای همجوار

. در دوران جنگ سرد، الگوی ژئوپلیتیک ایدئولوژیک بر ابعاد اقتصادی غلبه داشت و کشورها مجبور بودند برای حفظ نفوذ خود حتی به هزینه‌های اقتصادی تن دهند. اما پس از جنگ سرد، توجه به رویکرد ژئواکونومی افزایش یافته است که به سه دلیل رخ داده است: ۱) تمرکز قدرت بین‌المللی به سمت اقتصاد رفته است؛ ۲) کشورها بیشتر به منابع اقتصادی توجه نشان می‌دهند؛ و ۳) تغییرات در بازارهای جهانی رفتار دولت‌ها را دستخوش تحول کرده است .(MokhtariHashi, 2018) امروزه رقابت‌های ژئواکونومیک خط مقدم تعارضات جهانی است که کشورها به‌جای استفاده از روش‌های سنتی، به اقدامات تنبیهی اقتصادی و تنظیم بازارها روی می‌آورند. این تحولات همچنین بر گسترش تجارت جهانی و همکاری‌های سیاسی تأثیر گذاشته است. به‌عنوان‌مثال، از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، روسیه به دلیل اختلافات سیاسی، صادرات گاز به برخی از مناطق اروپا را به حالت تعلیق درآورد .(Keith, 2013) در دیدگاه معاصر پکن، دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای کسب نفوذ جهانی به کار می‌رود (Matthews & Anicetti, 2024).

در تفکر ژئواکونومیک، نفوذ در بازارها جایگزین حضور نظامی شده است و قدرت اقتصادی به‌عنوان عامل اصلی در مناقشات و اختلافات تجاری تلقی می‌شود که باید با ابزارهای اقتصادی، مانند تعرفه‌ها و

یارانه‌ها، حل‌وفصل شود. سیاست خارجی ژئواکونومیک از نظامی‌گری عبور کرده و به اهداف اقتصادی تمرکزیافته است(Safavi, 2021: 234). بنابراین در دوران ژئواکونومی وسایل و علل منازعات ماهیتی اقتصادی و ژئواکونومیک پیدا می‌کند و از طرفی نیز دستیابی به قدرت اقتصادی که یکی از عامل مهم در ایجاد ، تکوین و گسترش عمق استراتژیک است ناشی از همین قدرت اقتصادی است.

۱۲- قدرت علمی، تکنولوژیکی و فناوری کشور

تکنولوژی و فناوری به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی قدرت ملی کشورها به شمار می‌آید و نقش اساسی در تقویت دیگر ابعاد قدرت ملی مانند قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کند.(Zarghani, 2009: 114).

امروزه رقابت میان کشورها بر سر منابع زمین کاهش‌یافته و به رقابت برای دستیابی به سهمی از بازارهای جهانی تبدیل‌شده است. این امر منجر به تغییر اولویت‌ها از سیاست‌های دفاعی به سیاست‌های تجاری و صنعتی شده است (Strange, 1995)

فناوری نه‌تنها بر توسعه تأثیر می‌گذارد، بلکه به شکل‌دهی به ژئوپلیتیک نیز کمک می‌کند و در این راستا انقلاب‌های تکنولوژیک تغییرات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به همراه داشته است (Torreblanca, 2023)

قدرت علمی و فناوری یک کشور نه‌تنها جایگاه ملی آن را ارتقا می‌دهد، بلکه می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ در مناطق ژئوپلیتیکی خارج از مرزهای سرزمینی نیز عمل کند. کشورهای دارای برتری تکنولوژیکی از چند طریق می‌توانند بر مناطق دیگر تأثیر بگذارند.

۱۲-۱- وابستگی فناورانه و صنعتی: کشورهایی که در حوزه‌هایی مانند فناوری پیشرفته، صنایع دفاعی، انرژی، هوش مصنوعی، ارتباطات و زیست‌فناوری برتری دارند، می‌توانند از انتقال دانش و فناوری به کشورهای دیگر به‌عنوان ابزار نفوذ و ایجاد وابستگی ژئوپلیتیکی استفاده کنند .برای مثال، وابستگی کشورهای اروپایی به فناوری‌های پیشرفته آمریکایی یا وابستگی کشورهای آفریقایی به فناوری‌های چین، نوعی عمق استراتژیک برای این قدرت‌ها ایجاد کرده است

۱۲-۲- دیپلماسی علمی و فناوری: کشورهایی که در عرصه علمی پیشرو هستند، می‌توانند از توسعه همکاری‌های تحقیقاتی، اعطای بورسیه‌های تحصیلی، و تأسیس مراکز علمی و تکنولوژیکی در کشورهای دیگر به‌عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ استفاده کنند. به‌عنوان مثال، تأسیس دانشگاه‌های غربی در کشورهای خاورمیانه یا برنامه‌های علمی چین در آفریقا، نمونه‌هایی از این نفوذ هستند.

۱۲-۳- صادرات تکنولوژی نظامی و امنیتی: بسیاری از کشورها از فناوری‌های پیشرفته در حوزه نظامی و سایبری برای ایجاد ائتلاف‌های راهبردی و وابستگی امنیتی در مناطق مختلف جهان استفاده می‌کنند.

۱۲-٤- تسلط بر زیرساخت‌های دیجیتال و اطلاعاتی: در دنیای امروز، کنترل شبکه‌های ارتباطی، داده‌های کلان(Big Data) ، و پلتفرم‌های دیجیتال به ابزاری برای نفوذ ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. برای مثال، حضور گسترده فناوری‌های آمریکایی (گوگل، مایکروسافت، تسلا) و چینی (هوآوی، شیائومی) در کشورهای مختلف، موقعیت ژئوپلیتیکی این دو قدرت را در سطح جهانی تقویت کرده است.

در نتیجه، قدرت فناوری نه‌تنها ابزاری برای ارتقای قدرت ملی است، بلکه مستقیماً می‌تواند به ابزار اعمال نفوذ در مناطق ژئوپلیتیکی مختلف تبدیل شود. وابستگی فناورانه، دیپلماسی علمی، صادرات تکنولوژی نظامی، و سلطه بر زیرساخت‌های دیجیتال، همگی مصادیقی از این نفوذ هستند که به گسترش عمق استراتژیک یک کشور در فراتر از مرزهای سرزمینی کمک می‌کنند.

قدرت‌های بزرگ به اهمیت دسترسی به فناوری‌های نوین پی برده‌اند و در حال شرکت در رقابتی برای تقویت قابلیت‌های تکنولوژیکی خود هستند. این رقابت به‌ویژه درزمینه مالکیت و کنترل داده‌ها به‌عنوان عامل کلیدی در رقابت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی، مانند نبرد ایالات‌متحده و چین بر سر فناوری G۵، به چشم می‌خورد. کشورها و شرکت‌هایی که در زمینه‌های پیشرفته چون هوش مصنوعی، رباتیک و نانوتکنولوژی برتری دارند، در آینده بر ژئوپلیتیک حاکم خواهند شد(Torreblanca, 2023) .

در چند قرن اخیر، تکنولوژی به‌عنوان عاملی کلیدی در تغییر مناسبات جهانی شناخته‌شده است. در سال ۲۰۲۳، تقریباً ۱.۰۳۳ میلیارد نفر در جهان از گوشی‌های هوشمند سامسونگ استفاده می‌کنند، که نشان‌دهنده نفوذ بالای این تکنولوژی است(Onyang, 2024). تکنولوژی نه‌تنها «دگرگونی در کنشگری» را تسهیل می‌کند، بلکه «محیط کنش بین‌المللی» را نیز تغییر می‌دهد و قدرت و کنشگری در روابط بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

قدرت‌های نوین به تغییر ذات قدرت کمک کرده‌اند و دیگر نمی‌توان بر اساس معیارهای سنتی، قدرت را اندازه‌گیری کرد. فنّاوری‌های نوین ساختار قدرت و کنشگری را در روابط بین‌الملل دگرگون کرده‌اند و به بی‌قدرت‌ها قدرت بخشیده‌اند. این تغییرات موجب ظهور کنشگران جدید مثل شرکت‌های داده‌پرداز شده که تأثیر زیادی بر دولت‌ها دارند. کنش‌ها و واکنش‌های بین‌المللی که حول محورهای صلح و جنگ شکل می‌گیرند، به‌وضوح تحت تأثیر تکنولوژی هستند و ماهیت جنگ‌ها را تغییر داده‌اند. رقابت‌های بین‌المللی، به‌ویژه در روابط چین و ایالات‌متحده، به‌شدت با فناوری گره‌خورده است(Sajadzadeh, 2023).

فناوری‌های جدید، فرصت‌های تازه‌ای ایجاد کرده و بر اقتصاد، بازار و فرهنگ تأثیر می‌گذارند. درحالی‌که برخی از تغییرات تکنولوژیکی احساس نگرانی می‌کنند، فناوری همچنان منبع اصلی رشد اقتصادی و قدرت نظامی به شمار می‌آید. این فناوری‌ها منابع جدیدی از ثروت و قدرت به ارمغان می‌آورند (Andrew Lewis, 2022)به همین دلیل، قدرت فناوری و اقتصاد تکنولوژیکی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی قدرت ملی در نظر

گرفته می‌شود. قدرت تکنولوژیکی موجب افزایش وابستگی کشورها به کشورهای دارنده فناوری و افزایش رقابت برای دسترسی به محصولات جدید می‌شود و به ایجاد منابع اقتصادی پایدار کمک می‌کند. با ایجاد چنین ارتباطاتی، امنیت ملی می‌تواند بدون نیاز به سلاح نیز تأمین شود و عمق استراتژیک کشورها گسترش یابد.

۱۳- حضور در فضای خارج از جو و تکنولوژی فضایی

فضای بیرونی زمین به دلیل ناشناخته بودنش، انسان‌ها را به سمت توسعه تکنیک‌ها و دانش‌های پیشرفته سوق داده است. فناوری فضایی شامل موشک‌ها، ماهواره‌ها، شاتل‌ها و ایستگاه‌های فضایی، به انسان در درک بهتر جهان کمک می‌کند و امروزه به یک بخش کلیدی از امنیت ملی و ثبات بین‌المللی تبدیل شده است. با گسترش فناوری فضایی، نگرانی‌ها درباره کاربرد دوگانه آن هم افزایش یافته است (Ramazani, 2021; Park, 2014).

رقابت ابرقدرت‌ها برای هژمونی سیاره‌ای موجب حرکت به‌سوی فضای خارج از زمین شده است (Dari Vernousfaderani et al., 2022). در سال‌های اخیر، فضا به‌عنوان یک قلمرو جدید برای فعالیت‌های بشری مطرح‌شده و کشورهای مختلف بر اساس توانمندی و قدرت ملی خود به این عرصه توجه دارند (Zargar, 2009). عدم استفاده از فناوری‌های فضایی می‌تواند خسارات استراتژیک قابل‌توجهی به همراه داشته باشد (Polykalas, 2024).

امروز فضای بیرونی به‌عنوان یک صحنه کلیدی برای امنیت ملی و ثبات جهانی شناخته می‌شود و به نظر می‌رسد که قرن بیست و یکم، قرن فضا باشد. نظامی شدن فضا به‌سرعت در حال افزایش است و قدرت‌های بزرگی مانند ایالات‌متحده، چین و روسیه به فضا به‌عنوان میدان جنگ نگاه کرده و قابلیت‌های فضایی و ضد فضایی پیشرفته را توسعه می‌دهند.

حضور مؤثر در فضا یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌آید. بنابراین، برای کشوری که به دنبال عمق استراتژیک است، تثبیت حضور در فضا و بهبود فناوری‌های فضایی ضروری است.

۱٤- قدرت نظامی و دفاعی کشورها

قدرت نظامی و دفاعی به‌عنوان جزء کلیدی در عمق استراتژیک کشورها، شامل تمامی توانمندی‌های نظامی و دفاعی برای تأمین امنیت ملی و بازدارندگی در برابر تهدیدات است. این مؤلفه شامل نیروی انسانی، تجهیزات نظامی، فناوری‌های پیشرفته و استراتژی‌های دفاعی است و به کشورها اجازه می‌دهد نفوذ استراتژیک خود را گسترش دهند و تهدیدات را پیش از رسیدن به مرزهای خود مهار کنند. قدرت نظامی و

دفاعی ابزاری برای بازدارندگی است و کشورهایی با توانمندی نظامی بالا می‌توانند دشمنان را از حمله منصرف کنند (Schelling, 1996) کشورهای دارای قدرت نظامی بالا می‌توانند مناطق نفوذ خود را گسترش دهند و تهدیدات را قبل از رسیدن به مرزهای خود مهار کنند. این شامل ایجاد پایگاه‌های نظامی در مناطق استراتژیک یا برقراری اتحادهای نظامی با کشورهای هم‌پیمان است (Posen, 1984). از طریق این قابلیت‌ها، کشورها می‌توانند عمق استراتژیک خود را افزایش دهند و تهدیدات را در فواصل دورتر دفع کرده و از امنیت داخلی خود محافظت کنند(Collins, 2009).

٤-٤ تعریف پیشنهادی عمق استراتژیک

در دنیای پیچیده و متغیر امروز، مفهوم عمق استراتژیک به یکی از کلیدی‌ترین مباحث در حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی تبدیل‌شده است. با توجه به تغییرات سریع فناوری، تحولات جهانی و ظهور تهدیدات جدید، نیاز به تجدیدنظر در تعریف و نحوه کاربرد این اصطلاح بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در این راستا، ارائه یک تعریف جدید از عمق استراتژیک با در نظر گرفتن ١٤ مؤلفه حیاتی می‌تواند به درک بهتر و جامع‌تری از این مفهوم کمک کند. این مؤلفه‌ها ممکن است شامل عوامل جغرافیایی، اقتصادی، نظامی، انسانی، فرهنگی، و تکنولوژیکی باشند که باهم تعامل دارند و در ایجاد عمق استراتژیک مؤثرند. بنابراین تعریف پیشنهادی عبارت‌اند از:

« فضای جغرافیایی است که با کنترل فرآیندها و فرآوری ظرفیت‌های موجود در آن بقا و امنیت ارزش-های حیاتی مادی و معنوی یک کشور را تضمین می‌کند.»

جنبه‌های مختلف این تعریف عبارت‌اند از :

این تعریف از عمق استراتژیک به چهار بعد کلیدی اشاره دارد که هرکدام نقش مهمی در تضمین امنیت و بقاء یک کشور ایفا می‌کنند:

الف: تأکید بر فضای جغرافیایی

فضای جغرافیایی کشور شامل سرزمین اصلی، مناطق پیرامونی و منابع طبیعی است. این بُعد بر اهمیت استراتژیک مکان‌ها و منابع در بقا و تأمین امنیت کشور تأکید دارد.

ب: کنترل فرآیندها

این مفهوم به قدرت یک کشور در مدیریت و هماهنگی منابع خود و واکنش به تهدیدات اشاره دارد. عمق استراتژیک به توانایی یک کشور در سیاست‌گذاری مؤثر و پاسخگویی به چالش‌ها بستگی دارد و تنها محدود به ابزارهای نظامی نمی‌شود.

ج: فرآوری ظرفیت‌ها

این بُعد به توانایی کشور در بهره‌برداری و بهینه‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی، انسانی، فرهنگی، علمی و دفاعی اشاره دارد. کشورها باید توانایی خود را در تبدیل منابع به ارزش‌های مفید و تأثیرگذار اثبات کنند.

د: بقا و امنیت ارزش‌های حیاتی

این بعد اشاره دارد که عمق استراتژیک نه‌تنها شامل امنیت فیزیکی بلکه حفظ هویت ملی و ارزش‌های فرهنگی به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی نیز می‌شود.

به‌طورکلی، این تعریف از عمق استراتژیک با نگاهی جامع به ابعاد مختلف جغرافیا، فرآیندها و ظرفیت‌ها، تصویری روشن از چگونگی حفظ امنیت و بقا یک کشور ارائه می‌دهد. بنابراین، این تعریف می‌تواند به‌عنوان یک مبنای مناسب برای تحلیل و بررسی ابعاد جدید عمق استراتژیک در برابر چالش‌های کنونی و آینده استفاده شود.

۱-٤-٤ عمق استراتژیک ذاتی است یا اکتسابی؟

با توجه به تعریف ارائه شده، عمق استراتژیک را می‌توان یک پدیده اکتسابی ناشی از سیاست‌گذاری ژئوپلیتیکی دانست تایک ویژگی ذاتی. چرا؟

زیرا عمق استراتژیک بر کنترل فرآیندها و فرآوری ظرفیت‌ها تأکید دارد؛ این نشان می‌دهد که عمق استراتژیک، نتیجه سیاست‌گذاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در یک فضای جغرافیایی است. اگر این مفهوم ذاتی بود، نیازی به کنترل و پردازش ظرفیت‌ها نداشت.از طرفی عمق استراتژیک با تضمین بقا و امنیت ارزش‌ها مرتبط است؛ این یعنی کشورها از طریق سیاست‌گذاری‌های ژئوپلیتیکی (مانند ایجاد ائتلاف، نفوذ در مناطق کلیدی، گسترش پایگاه‌های نظامی و فرهنگی) آن را به‌دست می‌آورند. تحولات تاریخی نشان می‌دهند که عمق استراتژیک قابل تغییر است؛ این نشان می‌دهد که عمق استراتژیک بیشتر یک فرآیند پویا و وابسته به تصمیمات استراتژیک است تا یک ویژگی ذاتی جغرافیایی. برخی کشورها با وجود موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب، فاقد عمق استراتژیک مؤثرند؛ یعنی اگرچه برخی مناطق از نظر جغرافیایی امکان ایجاد عمق استراتژیک دارند، اما عدم سیاست‌گذاری صحیح باعث می‌شود از این مزیت بهره‌مند نشوند.

بنابراین عمق استراتژیک یک پدیده اکتسابی و وابسته به سیاست‌گذاری ژئوپلیتیکی است. این سیاست‌ها هستند که تعیین می‌کنند یک کشور چگونه و تا چه اندازه عمق استراتژیک خود را توسعه داده یا از دست می‌دهد.

۵. داده‌های آماری

این تحقیق به‌منظور ارائه الگوی سنجش عمق استراتژیک کشورها انجام‌شده است. بدین منظور از ۳۳ عضو هیئت‌علمی رشته جغرافیای سیاسی،روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و امنیت ملی دانشگاه‌های کشور در رابطه با تأثیر مؤلفه‌های گوناگون در عمق استراتژیک کشورها نظرخواهی شد که نتایج پیشرو نمایان گردید.. ضریب آلفای کرون باخ پرسشنامه استفاده‌شده در این مطالعه برابر با ۰/۹۷۸ به دست آمد. بنابراین پرسشنامه از روایی مناسبی برخوردار است.

جدول شماره ۵-۱: توزیع فراوانی رده سنی و جنس اعضای حیات علمی

متغیر		تعداد	درصد
رده سنی	۳۱-۴۰ سال	۲	٦/۱
	۴۱-۵۰ سال	۱۵	٤٥/٥
	۵۱-٦۰ سال	۱۱	۳۳/۳
	بالای ٦۰ سال	۵	۱۵/۱
جنس	آقا	۲٦	۷۸/۸
	خانم	۷	۲۱/۲

توزیع فراوانی رده سنی و جنس اعضای هیات علمی در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی رتبه علمی و سابقه اجرایی اعضای هیات علمی

متغیر		تعداد	درصد
رتبه علمی	مربی	۲	٦/۱
	استادیار	۲۱	٦۳/٦
	دانشیار	۸	۲٤/۲
	استاد	۲	٦/۱
سابقه اجرایی	۵-۷ سال	۷	۲۱/۲
	۷-۱۵ سال	۱۵	٤٥/٥
	بیشتر از ۱۵ سال	۱۱	۳۳/۳

در جدول شماره ۲ توزیع فراوانی رتبه علمی و سابقه اجرایی اعضای هیات علمی مشخص است.

جدول شماره ۳: میانگین نمره تأثیر مؤلفه‌های موردبررسی در عمق استراتژیک کشورها ازنظر اعضای هیات علمی به ترتیب اهمیت (از ۵)

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	P-value
قدرت علمی و تکنولوژیکی و فناورانه	٤/۷۹	۰/٤۱	٤	۵	

موقعیت جغرافیایی	٤/٥٨	۰/٦١	۳	٥	
موقعیت ترانزیتی	٤/٥٢	۰/٥١	٤	٥	
موقعیت ژئوپلیتیکی	٤/٤٨	۰/٥١	٤	٥	
ظرفیت‌های ژئواکونومیک و مناسبات اقتصادی	٤/۳۳	۰/٥٩	۳	٥	
گفتمان‌های جهان‌شمول	٤/۳۳	۰/٦٩	۳	٥	
قدرت نظامی و دفاعی	٤/۳۰	۰/٥٨	۳	٥	
تسلط بر تنگه‌های استراتژیک	٤/۲۷	۰/٥٧	۳	٥	<۰/۰۰۱
زبان	٤/۱٥	۰/۳٦	٤	٥	
حضور در پیمان‌ها، اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی	٤/۱٥	۰/٦۲	۳	٥	
فرهنگ و ظرفیت‌های فرهنگی	٤/۱۲	۰/٥٤	۳	٥	
حضور در فضا و تکنولوژی فضایی و ماهواره‌ای	٤/۱۲	۰/۷٤	۳	٥	
هنر و ظرفیت‌های هنری	۳/۹۱	۰/۳۸	۳	٥	
مذهب و ایدئولوژی	۳/۸٥	۰/٦۲	۳	٥	

آزمون آنالیز واریانس با تکرار مشاهدات نشان داد که میانگین نمره تأثیر مؤلفه‌های گوناگون مذکور در جدول شماره ۳ در عمق استراتژیک کشورها ازنظر اعضای هیات علمی با یکدیگر تفاوت معنادار داشت ($P < ۰/۰۰۱$). همان‌گونه که در جدول مشخص است بیشترین میزان تأثیر در عمق استراتژیک کشورها مربوط به مؤلفه‌های قدرت علمی و فناورانه (٤/۷۹)، موقعیت جغرافیایی (٤/٥٨)، موقعیت ترانزیتی (٤/٥۲) و موقعیت ژئوپلیتیکی (٤/٤٨) بوده و کمترین میزان تأثیر مربوط به مؤلفه‌های مذهب و ایدئولوژی (۳/۸٥) و هنر و ظرفیت‌های هنری (۳/۹۱) بود.

جدول ٥-٤ مقایسه تأثیر مؤلفه‌های گوناگون بر عمق استراتژیک کشورها با استفاده از آزمون فریدمن

مؤلفه	خیلی کم		کم		تا حدی		زیاد		خیلی زیاد		Mean rank
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
زبان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۸	۸٤/۸	٥	۱٥/۲	٦/٥٥
مذهب و ایدئولوژی	۰	۰	۰	۰	۹	۲۷/۳	۲۰	٦۰/٦	٤	۱۲/۱	٥/۳۰
فرهنگ و ظرفیت‌های فرهنگی	۰	۰	۰	۰	٤	۱۲/۱	۲۸	۸٤/۸	۱	۳	٤/۹۱
گفتمان‌های جهان‌شمول	۰	۰	۰	۰	۳	۹/۱	۲۳	٦۹/۷	۷	۲۱/۲	٦/٥۸
هنر و ظرفیت‌های هنری	۰	۰	۰	۰	٤	۱۲/۱	۱٤	٤۲/٤	۱٥	٤٥/٥	۷/۷٦
حضور در پیمان‌ها، اتحادهای منطقه‌ای و جهانی	۰	۰	۰	۰	٤	۱۲/۱	۲۰	٦۰/٦	۹	۲۷/۳	٦/٤۷
موقعیت جغرافیایی	۰	۰	۰	۰	۲	٦/۱	۱۰	۳۰/۳	۲۱	٦۳/٦	۹/۳۹
موقعیت ژئوپلیتیکی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۷	٥۱/٥	۱٦	٤۸/٥	۸/٦۷
موقعیت ترانزیتی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱٦	٤۸/٥	۱۷	٥۱/٥	۸/۸۲
تسلط بر تنگه‌های استراتژیک	۰	۰	۰	۰	۲	٦/۱	۲۰	٦۰/٦	۱۱	۳۳/۳	۷/٦٤
قدرت علمی و فناورانه	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۲۱/۲	۲٦	۷۸/۸	۱۰/٦٤

ظرفیت‌های ژئواکونومیک و مناسبات اقتصادی	۰	۰	۰	۰	۲	٦/۱	۱۸	٥٤/٥	۱۳	۳۹/٤	۷/۹۱
حضور در فضا و تکنولوژی فضایی و ماهواره‌ای	۰	۰	۰	۰	۷	۲۱/۲	۱٥	٤٥/٥	۱۱	۳۳/۳	٦/٦۱
قدرت دفاعی و نظامی	۰	۰	۰	۰	۲	٦/۱	۱۹	٥۷/٦	۱۲	۳٦/٤	۷/۷۷

آزمون فریدمن نشان داد که میزان تأثیر مؤلفه‌های گوناگون مذکور در جدول شماره ۱۰ در عمق استراتژیک کشورها ازنظر اعضای هیات علمی با یکدیگر تفاوت معنادار داشت (P < ۰/۰۰۱). بر اساس mean rank های به دست آمده بیشترین تاثیر مربوط به مولفه‌های قدرت علمی و فناورانه، موقعیت جغرافیایی، موقعیت ترانزیتی و موقعیت ژئوپلیتیکی بوده و کمترین تاثیر مربوط به مولفه‌های فرهنگ و ظرفیت‌های فرهنگی و مذهب و ایدئولوژی بود.

از دیدگاه اعضای هیئت‌علمی، قدرت علمی، تکنولوژیکی و فناورانه به‌عنوان مولفه‌ای با بیشترین تأثیر در تقویت عمق استراتژیک کشورها شناخته‌شده است. این نتیجه منعکس‌کننده اهمیت رو به افزایش دانش و فناوری در دنیای امروز است. کشورهایی که در تولید علم و فناوری پیشرو هستند، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نفوذ خود را در عرصه بین‌المللی گسترش می‌دهند.

٦- نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که عمق استراتژیک کشورها تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که می‌توان آن‌ها را به دو دسته اصلی عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم کرد. یافته‌های آماری به‌دست‌آمده از نظرات خبرگان حاکی از آن است که در میان این عوامل، قدرت علمی، تکنولوژیکی و فناورانه بیشترین تأثیر را بر عمق استراتژیک دارد، درحالی‌که مذهب و ایدئولوژی کمترین نقش را ایفا می‌کنند.

٦-۱- تأثیر عوامل سخت‌افزاری بر عمق استراتژیک

یافته‌ها نشان می‌دهند که این عامل با میانگین نمره ٤.۷۹ بالاترین تأثیر را بر عمق استراتژیک کشورها دارد. در دنیای امروز، توسعه فناوری‌های پیشرفته نه‌تنها موجب تقویت توانمندی‌های نظامی و اقتصادی کشورها شده، بلکه به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت نرم نیز به کار گرفته می‌شود. این یافته نشان‌دهنده تغییر رویکرد سیاست‌گذاران به سمت نقش فناوری در تأمین امنیت ملی و افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی است.

موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با میانگین نمره ٤.٥۸ و ٤.٤۸ از دیگر عوامل کلیدی تأثیرگذار بر عمق استراتژیک محسوب می‌شوند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کشورهایی با موقعیت جغرافیایی مناسب (دسترسی به دریا، منابع طبیعی غنی، قرارگیری در مسیرهای تجاری مهم) از مزیت بیشتری در افزایش عمق

استراتژیک خود برخوردارند. این یافته با مبانی نظری پژوهش همخوانی دارد، زیرا بسیاری از مطالعات پیشین تأکید داشته‌اند که موقعیت ژئوپلیتیکی یک کشور تعیین‌کننده میزان نفوذ و تأثیر آن در منطقه است.

موقعیت ترانزیتی با میانگین نمره ٤.٥٢ و تسلط بر تنگه‌های استراتژیک با میانگین ٤.٢٧ نیز از عوامل تأثیرگذار بر عمق استراتژیک محسوب می‌شوند. کنترل مسیرهای تجاری و ترانزیتی به کشورها اجازه می‌دهد تا ضمن بهره‌برداری اقتصادی، نفوذ خود را در معادلات بین‌المللی افزایش دهند.

٦-٢- نقش عوامل نرم‌افزاری در عمق استراتژیک

یافته‌ها نشان می‌دهند که گفتمان‌های جهانی و زبان به‌عنوان ابزارهای نرم قدرت، نقش مهمی در افزایش عمق استراتژیک کشورها دارند. زبان به‌عنوان ابزار ارتباطی و فرهنگی، میزان نفوذ یک کشور را افزایش می‌دهد و گفتمان‌های جهان‌شمول نیز موجب مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های خارجی کشورها می‌شوند. این یافته با نظریات مرتبط با قدرت نرم همخوانی دارد که تأکید دارند کشورهایی که دارای ایدئولوژی‌های جذاب و گفتمان‌های تأثیرگذار هستند، نفوذ بیشتری در محیط بین‌المللی خواهند داشت. فرهنگ و هنر نیز از دیگر ابزارهای قدرت نرم محسوب می‌شوند که هرچند در رتبه‌های پایین‌تری نسبت به عوامل سخت‌افزاری قرار گرفته‌اند، اما همچنان نقش مؤثری در شکل‌دهی به سیاست خارجی و تأثیرگذاری بر کشورهای دیگر دارند. تأثیرگذاری فرهنگی می‌تواند به ایجاد تصویری مثبت از یک کشور در عرصه بین‌المللی کمک کند و در بلندمدت به افزایش عمق استراتژیک آن بیانجامد.

٦-٣- تغییر در وزن عوامل سنتی عمق استراتژیک

یکی از نتایج قابل‌توجه این پژوهش، کاهش اهمیت مذهب و ایدئولوژی در مقایسه با سایر عوامل است. یافته‌های آماری نشان می‌دهند که این مؤلفه با میانگین نمره ۳.۸۵ در انتهای رتبه‌بندی قرار دارد. این نتیجه ممکن است به دلیل تغییر ماهیت رقابت‌های بین‌المللی و افزایش نقش عوامل اقتصادی، تکنولوژیکی و ژئواکونومیک باشد. در جهان امروز، کشورهایی که بر توسعه فناوری، گسترش تعاملات اقتصادی و استفاده از ابزارهای نرم قدرت تمرکز دارند، تأثیرگذاری بیشتری در محیط بین‌المللی خواهند داشت.

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که درک عمق استراتژیک دیگر تنها وابسته به قدرت نظامی نیست، بلکه ترکیبی از قدرت علمی، موقعیت جغرافیایی، اقتصاد، دیپلماسی فرهنگی و تسلط بر زیرساخت‌های کلیدی است. این پژوهش تأیید می‌کند که کشورهایی با توانمندی علمی بالا، موقعیت جغرافیایی استراتژیک و اقتصاد قدرتمند، در ایجاد عمق استراتژیک موفق‌تر خواهند بود. همچنین، کاهش اهمیت مؤلفه‌های سنتی مانند مذهب و ایدئولوژی نشان می‌دهد که کشورها باید راهبردهای خود را بر اساس الزامات جدید نظام

بین‌الملل تنظیم کنند. درنهایت، ترکیب عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، استراتژی‌های جامع‌تری برای کشورها فراهم می‌کند تا بتوانند دامنه نفوذ خود را در سطح بین‌المللی گسترش دهند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، عمق استراتژیک یک کشور مفهومی چندبعدی است که از ترکیب عوامل مختلف جغرافیایی، علمی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی تشکیل می‌شود. کشورهای موفق در گسترش عمق استراتژیک خود، آن‌هایی هستند که به‌صورت متوازن به این عوامل توجه کرده و از ظرفیت‌های موجود برای تقویت موقعیت بین‌المللی خود بهره می‌برند. درحالی‌که در گذشته مؤلفه‌های نظامی نقش پررنگ‌تری در تعریف عمق استراتژیک ایفا می‌کردند، امروزه عوامل علمی، فناوری و اقتصادی به‌عنوان تعیین‌کننده‌های اصلی این مفهوم شناخته می‌شوند.

بنابراین، کشورهایی که در پی افزایش عمق استراتژیک خود هستند، باید علاوه بر توسعه زیرساخت‌های دفاعی و امنیتی، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در حوزه‌های علمی، فناورانه و ژئواکونومیک داشته باشند. همچنین، استفاده از ابزارهای قدرت نرم مانند دیپلماسی فرهنگی، تعاملات اقتصادی و گفتمان‌های بین‌المللی، نقش مهمی در افزایش تأثیرگذاری یک کشور در محیط بین‌المللی ایفا می‌کند. در نهایت، راهبردی موفق برای افزایش عمق استراتژیک، مستلزم اتخاذ رویکردی جامع و چندبعدی است که بتواند در کنار افزایش قدرت ملی، پایداری و امنیت بلندمدت کشور را نیز تضمین کند.

کتابنامه

1. Abbasi, Ebrahim; Talebi, Zoghri; Najat, Seyed Ali (2015). "The Strategic Importance of the Strait of Hormuz Compared to International Straits of the World." Political Research, 5(2), pp. 8-23 [In Persian].

2. Acar, A. Z.; Bentyn, Z.; Kocaoglu, B. (2015). Turkey as a Regional Logistic Hub in Promotion of Revivaling Ancient Silk Route between Europe and Asia. Journal of Management Marketing and Logistics, 2(2), 94–94.

3. Adajian, Thomas(2022) The Definition of Art, The Stanford Encyclopedia of Philosophy Edward N. Zalta (ed.), URL = https://plato.stanford.edu/archives/spr2022/entries/art-definition/.

4. Afshordi, Mohammad Hossein; and Naderi, Saeed (2020). "The Most Scientific Requirements for Increasing Deterrence Using Management of Fossil Energy Transit in a Region." Strategic Defense Studies Quarterly, Vol. 18, No. 80, pp. 5-22[In Persian].

5. Altiami Nia, Reza; and Taqvaei Nia, Ali (2016). "Explaining the Role and Position of Soft Power in Achieving Internal and External Policy Goals," Journal of Political Studies of the Islamic World, No. 3, pp. 167-196. [In Persian].

6. Arnold, J. (2006). Best Practices in Management of International Trade Corridors. TRANSPORT PAPERS, THE WORLD BANK GROUP.

7. Ayubi, Hojjatollah (2001). "Elements of Political Discourse of the Islamic Revolution." Thoughts of the Islamic Revolution, Issue 1 [In Persian].

8. Badi'i Azandahi, Marjan; and Golefashan, Atifeh (2012). "The Role of Politics and Power on the Influence of the Persian Language in the National Identity of the People of Tajikistan." Khorasan-e Bozorg Research Journal, 3(6), [In Persian].

9. Baqeri, Mohsen; Omidi, Ali; and Yazdani, Enayatollah (2021). "The Impact of the Resistance Axis on the Strategic Depth of the Islamic Republic of Iran," Islamic World Political Studies Quarterly, Vol. 10, No. 2. [In Persian].

10. Cropsey, Seth (2014). Strategic Depth & Israel's Maritime Strategy. Seth Cropsey on the future of Israeli seapower. https://www.hudson.org/national-security-defense/strategic-depth-israel-s-maritime-strategy.

11. Dary Varnosfaderani, Maryam; Sanaei, Ardeshir; Soltani, Alireza; and Kabak Kheibari (2022). "The Role of Space in the International Competition of Great Powers," Iranian Journal of International Politics, Year 10, Issue 2, pp. 79-99. [In Persian].

12. De Vera, Tristan (2022). How Language Influences Our Way of Thinking. Access to https://www.gofluent.com/us-en/blog/how-language-affects-thinking-infog/

13. Demirel Irfan, Nihan & Altintasb, Osman (2012). Relationship between art and politics, Procedia - Social and Behavioral Sciences 51 (2012) 444–448.

14. Dolat Abadi, Seyyed Mahmoud Reza Shams; and Mohammad Reza Jalilvand (2015). "Dynamic Analysis of the Causes of Future Wars Using System Dynamics Approach," Strategic Defense Studies Quarterly, No. 59, pp. 49-71 [In Persian].

15. Eftekhari, Asghar (2008). "Soft Power," Tehran: Research Institute of Basij Studies and Imam Sadiq University[In Persian].

16. Elefteriu, Gabriel (2023). Why alliances matter. Access to https://www.geostrategy.org.uk/research/why-alliances-matter

17. Farghani, Mohammad Mahdi (2003). "The Long Way of Transition." Tehran: Culture and Thought, First Edition, p. 62. [In Persian].

18. Flint, C. (2017). Introduction to Geopolitics. Routledge.

19. Francis Onyang (2024). Samsung Sales Statistics – Market Share, Users & Revenue https://tridenstechnology.com/samsung-sales-statistics

20. Galustian, Andre; and Hosseini, Zahra (2023). The Art of Diplomacy and Art Diplomacy and Its Economic Effects on Countries, accessible at https://jahanesanat.ir/?p=425475. [In Persian].

21. Garnett, John (1987). “Defense Policy Making”, in John Baylis and others, Contemporary Strategy II, Holmes & Meier, New York.

22. Ghalibaf, Mohammad Baqer; and Pour Mousavi, Seyyed Mousa (2008). "Geopolitics and Foreign Policy." Geographical Researches, No. 66. [In Persian].

23. Gray, Colin S (2006). Out of the Wilderness: Prime-time for Strategic Culture, Advanced Strategic Planning and Analysis Support Contract with the National Institute for Public Policy, United States: National Institute for Public Policy.

24.GRipley, Charles (2017). Discourse in Foreign Policy.
https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190228637.013.411

25. HafezNia, MohammadReza (2010). "How Does a Geopolitical Region Evolve?" International Quarterly of Geopolitics, Vol. 6, No. 1, Spring. [In Persian].

26. HafezNia, MohammadReza (2006). "Principles and Concepts of Geopolitics." Papli Publications[In Persian].

27. Hafez Nia, Mohammad Reza; and Ghaedari, Hajjat, Mostafa (2010). "Explaining the Geopolitical Position of Eastern Iran in Regional Systems with a Focus on Khorasan." Khorasan-e Bozorg Research Journal, 1(1). [In Persian].

28. Hafeznia, M. R. (2014). Principles and Concepts of Geopolitics, Mashhad, Papoli Publications, ISBN: 978-600-6026-73-2. [In Persian].

29. Hafeznia, M. R., & Roumina, E. (2017). The Impact of Geopolitical Interests of Iran and. [In Persian].

30. Halliday, F. (2005). The Middle East in International Relations; Power, Politics and Ideology, Cambridge: Cambridge University Press.

31. James Andrew Lewis (2022). Technology and Power. Access to: https://www.csis.org/analysis/technology-and-power.

32. Jean Bethke Elshtain (2004). "Military Intervention and Justice as Equal Regard," in Religion and Security; The New Nexus in International Relations, ed. Robert Seiple and Dennis Hoover (New York: Rowman & Littlefield, 2004.

33. Juliana M Zanotto (2020). The role of discourses in enacting neoliberal urbanism: Understanding the relationship between ideology and discourse in planning, Planning Theory 2020, Vol. 19(1) 104–126.

34. Kamal Ara, Seyyed Mahmoud (2021). "Prestige and National Credibility Supported by Elements of Power and Ideology;" accessible at https://snn.ir/fa/news/969709/. [In Persian].

35. Kaya, Karen (2020). A Look Back and Forward at Turkey's "Strategic Depth" Foreign Policy Doctrine, FOREIGN MILITARY STUDIES OFFICE.

36. Kazemi, Mojtaba (2012). "Defense Strategy Based on the Defensive Culture of the Islamic Republic of Iran Based on the Thoughts and Views of Imam Khamenei." National Conference on Clarification of Imam Khamenei's Defensive Thought. [In Persian].

37. Khaliqi Nejad, Maryam (2022). "Hollywood's Politics," accessible at https://ascenter.ir/1401/06/16/3. [In Persian].

38. Kim, Jiyul (2009). CULTURAL DIMENSIONS OF STRATEGY AND POLICY. http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/

39. Lino HEIDBRINK and Marion Noel (2024). Hollywood, the epitome of the United States' global power. https://classe-internationale.com/2024/02/24/hollywood-the-epitome-of-the-united-states-global-power/

40. Lucius, Casey (2012). Religion and the National Security Strategy, Journal of Church and State, Volume 55, Issue 1, Winter 2013, Pages 50–70.

41. Mannheim, K. (1971). The Ideology and Sociological Interpretation of Intellectual...

42. Martin Guardado (2018). Discourse, Ideology and Heritage Language Socialization, University of Alberta, Canada.
https://www.researchgate.net/publication/260793117_Discourse_Ideology_and_Heritage_Language_Socialization_Micro_and_Macro_Perspectives

43. Matthews, R., & Anicetti, J. (2024). The role of defence countertrade in Chinese geoeconomic diplomacy. Journal of Strategic Studies, 1–31. https://doi.org/10.1080/01402390.2024.2327842.

44. Mirzaei Tabr, Meysam (2014). "The Strait of Hormuz and Its Strategic Role Throughout History." Passage of History, Persian Gulf Studies, Year 1, Winter 2014, Issue. [In Persian].

45. Mokhtari Hashi, H. (2018). Explaining the Concept of Geoeconomics and Recommendations for Iran. Geopolitics Quarterly, 14(50), 56-82.

46. Motaghi, Ebrahim (2008). "Smart Power and the Strategy of Changing America's Face during Obama's Era," Basij Studies, No. 4. [In Persian].

47. Motaghi, Ebrahim (2021). "The Correlation of National Interests and Ideology in Foreign Policy," accessible at https://khl.ink/f/40210. [In Persian].

48. Naghibzadeh, Ahmad (1999). "The Impact of National Culture on Foreign Policy: The Case of the Islamic Republic of Iran." Foreign Policy Journal, Vol. 13, No. 3. [In Persian].

49. Nayef Al-Rodhan (2015). Strategic Culture and Pragmatic National Interest. Access to https://www.globalpolicyjournal.com/blog/22/07/2015/strategic-culture-and-pragmatic-national-interest.

50. Öztürk, N. & U. Meral (2010). "Bölgesel Kalkınma Dinamikleri: Bölgesel Dengesizliklerin Ortaya Çıkmasında Rol Oynayan İktisadi Etmenler", Cumhuriyet Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Dergisi, 11(2), 91-110.

51. Park, J. (2014). Space Technology Development: Effects on National Security and International Stability. The Asan Institute for Policy Studies. At: http://en.asaninst.org/wp-content/themes/twentythirteen/action/dl.php?id=29019

52. Parand, F. (2013). The role of foreign transit in the development of Iran's trade relations with Central Asian countries, opportunities and challenges. Business Reviews, 11 (60), 72-86. [In Persian].

53. Polykalas, Athanassios Staveris (2024). The Perils of Ignoring Space Technologies in National Security and Defense. Access to https://www.linkedin.com/pulse/perils-ignoring-space-technologies-national-security-athanassios-qz2if/

54. Pourhassan, Naser (2017). "The Formation of the Smart Strategic Depth of the Islamic Republic of Iran in the Middle East," Political Science, Issue 79 - Fall 2017, pp. 75-102.]In Persian[

55. Ramazani, Saeed (2021). "The Middle East and Geopolitical Competition in Space," Iranian Diplomacy Website. [In Persian].

56. Rashid, Gholamali; Pourdastan, Ahmadreza; and Mohsen Rezaei (2021). "Factors and Characteristics of Fourth-Generation Warfare Affecting Future Battlefield," Strategic Defense Studies Quarterly, Year 19, Issue 83, pp. 159-184.]In Persian[

57. Rezai Arjroudi, Abdolreza; Tasbihi, Amena; and Shahni Dezfuliyan, Reza (2016). "Investigating the Role of Maritime Transport Transit on the Economic Growth of the Transport Sector in the Country." 18th Marine Industries Conference. Kish Island: Iranian Marine Engineering Association. [In Persian].

58. Romina, Ibrahim, & Bidar, Mohammad Taher. (2018). The Impact of American Strategy on the Developments in Iraqi Kurdistan from 1971 to 2014. International Quarterly Journal of Geopolitics, 14 (50), 1-2. [In Persian].

59. Roshandel, Jalil (2005). "National Security and the International System." Tehran: Samt.

60. Sabaghiyan, Ali (2007). "What is Diplomacy?" accessible at https://www.hamshahrionline.ir/news/28738. [In Persian].

61. Safavi, Seyyed Yahya (2021). "Geopolitics and Geostrategy of the Islamic World." Tehran: Samt Publications. [In Persian].

62. Saleh Abadi, Reihaneh (2020). "Optimization of the National Power Measurement Model of Countries," PhD Thesis in Political Geography, Tarbiat Modares University. [In Persian].

63. Sajjadpour, Seyyed Mohammad Kazem (2023). "The Transformation of the Nature of Power with Technology," available at http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2019617/. [In Persian].

64. Sarabi Torbat Heydarieh, Mustafa, Mohammadi, Hamid Reza, & Mehrabi, Ali Reza. (1402). Explaining the fundamental geopolitical components affecting foreign policy using the fuzzy Delphi technique. Political Geography Research, 8 (4), 117-141. doi: 10.22067/pg.2023.83227.1221. [In Persian].

65. Sarkheil, B. (2019). Media and discursive power with Emphasis on the Islamic Revolution. URL: http://priw.ir/article-1-1096-fa.html

66. Sayyadi, Hadi; Sanaei, Ardeshir (2017). "Geopolitical Factors Influencing the Shift in Iran's Foreign Policy from the West to the East with Emphasis on Russia from 1991 to 2016." International Relations Studies, 39(10), pp. 83-117. [In Persian].

67. Shakri, Seyyed Reza (2019). "The Communication Functions of Language in the Political Leadership of Imam Khomeini and Its Human and Spiritual Dimensions." Matin Research Journal, 21(83), pp. 23-39. [In Persian].

68. Shohamy, Elana (2006). Language Policy. New York: Routledge.

69. Soltani, Ali Asghar (2005). "Power, Discourse, and Language: Mechanisms of Power Flow in the Islamic Republic of Iran." Tehran: Ney Publishing. [In Persian].

70. Strange, S. (1995). Rethinking structural change in the International Political Economy: state, firm and Diplomacy, in Global Political Economy, Richard Stubs and Geoffrey Underhill (eds), Canada, Cataloging in.

71. Torreblanca, José Ignacio (2022). Technology, Great powers have realised that access to new technologies can be critical to their sovereignty. Access to https://ecfr.eu/special/power-atlas/technology/.

72. Vaughan, Damilola Ayo (2019). Between art and politics. Posted 21 Feb 2019. https://artuk.org/discover/stories/between-art-and-politics

73. Wallerstein, Emanuel (1998). Politic and Culture in the World Transitive System, translated by Pirouz Izadi, Ney Publication. [In Persian]

74. Wallerstein, I. (2011). The Modern World-System IV: Centrist Liberalism Triumphant. Berkeley: University of California Press.

75. Weidokal, Michael (2018). The Importance of Strategic Depth? Access to: https://www.linkedin.com/pulse/importance-strategic-depth-michael-weidokal/

76. Wolfers, Arnold (1962). Discord and Collaboration: Essays on International Politics, Baltimore: The Johns Hopkins Press.

77. Yıldırır Keser, H. (2015). Importance of Transport Corridors in Regional Development: The Case of TRACECA. Sosyoekonomi, 23(24), 163-182. https://doi.org/10.17233/se.96735

78. Zahraei, Mohammad Ali (2010). "Examining the Concept of Culture." Resalat, Year 25, 13 Dey, Issue 7170. [In Persian].

79. Zargari, Afshin (2010). "Space and National Security; Iran's Space Advances Strengthening National Security," Foreign Policy Quarterly, Year 24, Issue 3, pp. 677-709. [In Persian].

80. Zarif, Mohammad Javad (2023). "Launch Meeting of the Book ‘From Tehran to Hollywood;’" accessible at https://www.jamaran.news/. [In Persian].